

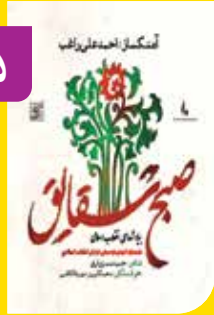
ای بسیج ای سرفرازان



■ خواننده: محمد گلریز
■ سال انتشار: ۱۳۹۷

این آهنگ همان طور که از عنوانش مشخص است به جایگاه بسیج و بسیجی اختصاص دارد. حمید سبزواری ترانه این آهنگ و مهیا فیروزبخت آهنگسازی آن را به عهده داشته‌اند. این اثر در قالب و فرم سرود به شیوه ارکسترال ساخته شده است. مجتبی میرزاده نیز تنظیم کننده این آهنگ به شمار می‌رود. محمد گلریز این اثر را به همراه گروه کر اجرا کرده است.

صبح شقایق



■ سال انتشار: ۱۳۹۹
■ خواننده: محمد گلریز و مهرداد کاظمی
■ ترانه سرا: حمید سبزواری
■ آهنگساز: احمد علی راغب
■ تنظیم کننده: احمد علی راغب
■ ژانر: آیینی مذهبی

این آلبوم نخستین آلبوم موسیقی دوران انقلاب اسلامی است که سال ۱۳۶۰ با نام «صبح شقایق» منتشر و در سال ۹۹ بازنشر شد. این آلبوم که از سوی حوزه هنری منتشر شده است، مشتمل بر هشت قطعه است که با درونمایه آیینی مذهبی ارائه شده‌اند. حضور مستمر احمد علی راغب در این آلبوم نیز مانند دیگر آلبوم‌ها به عنوان آهنگساز از مولفه‌های این اثر است.

آلبوم مژده سحر



■ سال تولید: ۱۳۷۸
■ خواننده: محمد گلریز
■ آهنگساز: احمد علی راغب
■ موسیقی: هادی آژرم

این آلبوم که در حیطه موسیقی ایرانی ارائه شده است هشت آهنگ را دربرمی‌گیرد که «پیش درآمد»، «دولت بیدار»، «تصنیف ماه رخ دوست»، «تصنیف گلشن مقصود»، «ساز و آواز»، «دل شنیدا» و... برخی از این قطعات به شمار می‌روند. گلریز در همکاری که در این آلبوم با هادی آژرم داشت، این قطعات را به سبک موسیقی اصیل ایرانی خواند. این آلبوم از سوی انتشارات سروش منتشر شده است.

اخیرا برای ضبط کار تازه‌ای به مشهد سفر کرده‌اید، چندان که انجام گفت‌وگوی ما هم در طول این سفر میسر شده است. پیش از شروع گفت‌وگو به این مسئله اشاره کردید که سفرتان به مشهد حکایت جالبی دارد، اگر ممکن است در این باره توضیح دهید؟

پدر من همیشه شعری را زمزمه می‌کرد: سه چیز اهل طلب را بود نشان سعادت / خلوص نیت و قلب سلیم و صدق ارادت

من هم در زندگی به این نتیجه رسیده‌ام که آدم هرآنچه را که از ته قلبش بخواهد به آن می‌رسد. چندماه قبل گفت‌وگویی با یکی از روزنامه‌ها داشتم و در پاسخ به سوال خبرنگار که چه آرزویی دارید؟ گفتم: دلم می‌خواهد به مشهد بروم و مقابل بارگاه امام رضا (ع) بایستم و شعری را به آواز بخوانم. وقتی مصاحبه تمام شد، حدود دوهفته بعد آقایبی از آستان قدس رضوی تماس گرفت و گفت من گفت‌وگوی شما را خواندم و می‌خواهم دعوت‌تان کنم به مشهد بیایید و شعر خود را در مقابل بارگاه حرم امام رضا (ع) بخوانید. به هر حال در چندروز گذشته این مسئله محقق شد، من به مشهد آمدم و در برنامه زنده تلویزیونی «تشریف» مقابل بارگاه ایستادم و خواندم.

بخشی از این شعر این است:

به کوی رضا جان صفا می‌پذیرد / دل اینجا فروغ خدا می‌پذیرد
تو ای بی‌نوا رو به سوی رضا کن / که این پیشو خوش گدا می‌پذیرد
اگر دردمندی بیا بر دراو / که هردرد اینجا دوا می‌پذیرد
امید دل من به من کن نگاهی / که جان از نگاه صفا می‌پذیرد

اما این مسئله اینجا تمام نشد، طی روزهای اخیر مدیر شبکه برنامه رادیو «زیارت» با من تماس گرفت و گفت شرایط ضبط این آهنگ فراهم شده و می‌خواهم شما را به مشهد دعوت کنم. گفتم من در حال حاضر در مشهد هستم. ایشان تعجب کرد و خوشحال شد، قرار می‌گذاشتیم و خوشبختانه این آهنگ را در استودیویی در مشهد ضبط کردیم.

جایگاه موسیقی حماسی را در شرایط کنونی چطور می‌بینید؟

در طول تاریخ این نکته ثابت شده است که مردم همیشه به این نوع موسیقی گرایش داشته‌اند. اصلا مگر می‌شود آهنگی درباره ایران و وطن ساخته نشود و مورد توجه قرار نگیرد؟! خاطرم هست، در یکی از کنسرت‌هایی که در سال‌های اخیر در آلمان برگزار کردیم، من سرود «ای ایران» که پیش‌تر زنده‌یاد بنان خوانده بود را خواندم. موقع خواندن این آهنگ، از جا بلند شده و اثر را ایستاده اجرا کردم. جالب بود مردمی هم که در سالن حضور داشتند هم مخاطبان ایرانی و هم مخاطبان خارجی، به احترام این آهنگ ایستادند. این نشان می‌دهد که مخاطب به آثار حماسی علاقه‌مند است. اما متأسفانه کارهای تولیدی در سال‌های اخیر در این عرصه به‌ندرت انجام می‌شود، در حالی که به نظرم ظرفیت آن از سوی هنرمندان و مخاطب وجود دارد. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا موسیقی حماسی بیش از پیش مورد حمایت و توجه قرار بگیرد.

گفتم به‌عنوان یک جهادگر به جبهه آمده‌ام خیلی تعجب کرد و گفت هرکسی باید کار خودش را انجام دهد، کار شما موسیقی است و می‌توانید با خواندن سرود، به رزمندگان روحیه بدهید. خلاصه من را راضی کرد به جای آن که به‌عنوان جهادگر در جبهه حضور داشته باشم، سفیر هنری باشم. همین‌طور هم شد و من در یک‌ماهی که در جبهه حضور داشتم با آهنگ‌ها و سرودهایی که برای رزمندگان خواندم توانستم به قول آن فرمانده، بخشی از دین خود را به‌عنوان فردی از این جامعه به دفاع مقدس ادا کنم.

استقبال گسترده مردم از سرود «خجسته باد» چقدر جرقه و شروعی شد تا در ادامه حرکت‌تان در این مسیر، به ارائه آثار دیگری از جنس دفاع و مقاومت کار کردید؟

تمام آثاری که من در فاصله سال‌های ۶۰ تا امروز خوانده‌ام دارای بن‌مایه موسیقی اصیل ایرانی بوده است. نه تنها من، بلکه هنرمندان دیگر مانند قره‌باغی، محمد نوری، رشید وطن‌دوست و... کارهایشان برگرفته از موسیقی ایرانی بود. به‌خصوص این که تحصیلات من در زمینه آواز ایرانی بوده است و تمام آهنگ‌هایی که خوانده‌ام از دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی گرفته شده است. زنده‌یاد احمد علی راغب هم که با هم همکاری‌های زیادی کردیم، تحصیلاتش در زمینه موسیقی ایرانی بود. شاید یکی از دلایل این که آهنگ «خجسته باد این پیروزی» این قدر توانست در میان مردم با استقبال گسترده‌ای مواجه شود در همین نکته باشد. خاطرم هست، در روز سوم خرداد پشت فرمان بودم و رادیوی ماشین روشن بود، ناگهان برنامه‌ای که داشت پخش می‌شد قطع شد و آقای کریمی گوینده آن زمان رادیو گفت: شنوندگان عزیز! خونین شهر آزاد شد. لحظه‌ای گذشت و دوباره ایشان این خبر را خواند. بعد بلافاصله آهنگ «خجسته باد این پیروزی» پخش شد. آن روز وقتی به ماشین‌های اطرافم نگاه کردم، دیدم رادیوی تمام ماشین‌ها روشن است و این آهنگ دارد پخش می‌شود. عشق یکپارچه‌ای که مردم به ایران داشتند را آن روز با تمام وجودم لمس کردم و همان‌طور که به پهنای صورت اشک می‌ریختم همراه مردم این آهنگ را زمزمه کردم و از آزادی خرم‌شهر شادمان شدم. به‌عزم بزرگان موسیقی، تولید این آهنگ واقعا یک استثنا و اتفاق بود که در سال‌های جنگ و حساس‌ترین برهه تاریخ یعنی روز آزادسازی خرم‌شهر به‌وقوع پیوست. به‌نظر من گاه، کارهایی ساخته می‌شود که از دست و اراده هنرمند خارج است و لطف خدا شامل این کارها شده است. جالب است که بعدها از ملودی آهنگ «خجسته باد این پیروزی»، آثاری به زبان‌های ترکی و عربی ساخته شد. اصولا ملودی این اثر به گونه‌ای بود که در هر قالبی صلابت خود را حفظ کرده است. خرم‌شهر پاره تن ایران بود و همین مسئله باعث شد تا جذابیت آهنگ «خجسته باد این پیروزی» دوچندان شود. هر چند اگر حمل بر خودستایی نشود، من هم به‌عنوان خواننده این آهنگ سعی کردم، صادقانه و از صمیم قلب آن را بخوانم. جمله معروفی هست که می‌گوید هرآنچه که از دل برآیند بردل هم نشیند. خوشبختانه درباره این آهنگ چنین اتفاقی افتاد.

من در سال‌های جنگ این توفیق را پیدا کردم تا درجبهه حضور یابم. در آن سال‌ها، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اتوبوس‌هایی مهیا شده بود که به شکل گروهی به خط مقدم می‌رفتیم و می‌توانستیم دوشادوش رزمندگان درجبهه حضور داشته باشیم. یادم هست برای آن که بتوانم برای رزمندگان بخوانم، اتوبوس‌ها را کنار هم قرار می‌دادند و حایل درست می‌کردند تا به لحاظ صوتی و صدابرداری، آثاری که می‌خواهم بخوانم درست از کار دربیاید

